



MARCH 10, 2024 | TEHRAN

۲۰ اسفند ۱۴۰۲
محل برگزاری: تهران

اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش

راه‌های نهادینه کردن فرهنگ دینی در جامعه

مانا قاضی زاده

کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآنی، مدرسه اسماء، بندرماهشهر، خوزستان.

managhazzi.64@gmail.com

منیژه شعبانی

کارشناس ارشد علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی، مدرسه اسماء، بندرماهشهر، خوزستان.

Shakarishakari38@gmail.com

سیده فاطمه موسوی اصل

کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآنی، مدرسه اسماء، بندرماهشهر، خوزستان

s.f.musavi97@gmail.com

عذرا راشدی

کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآنی، مدرسه اسماء، بندرماهشهر، خوزستان

1

چکیده

از نظر اسلام، عقل حجت الهی درونی است که در باطن انسان قرار دارد و از درون، انسان را به خوبی‌ها و خیرات دعوت می‌کند. بدون عقل درونی، هیچ‌گونه رشد و کمالی محقق نمی‌شود. عقل حجت الهی است و به وسیله‌ی آن می‌توان حق را از باطل تمیز داد. شناخت و معرفت نسبت به حقایق دین لازمه‌ی دین‌داری و از عناصر ایمان و تقویت‌کننده‌ی آن است. به طوری که انسان با حصول چنین معرفتی به سعادت ابدی رهنمود می‌شود و خود را از پستی‌ها نجات می‌دهد. و این معرفت جز با مطالعه زندگی انبیاء، امامان و علماء، مطالعه کتاب‌های اخلاقی و شرکت در جلسات اخلاقی و غیره میسر نخواهد بود. و این موضوع یکی از راه‌های علمی نهادینه کردن فرهنگ دینی در جامعه است و راه دوم آن تقویت تعقل و تفکر در مباحث اعتقادی و تبیین آن با مبانی دینی و اسلامی است. در این مقاله به روش کتابخانه‌ای - توصیفی سعی شده به این پرسش پاسخ داده شود که مبانی و زمینه‌های نهادینه کردن فرهنگ دینی به چه صورت است؟

واژگان کلیدی: مبانی، زمینه‌ها، نهادینه کردن، فرهنگ دینی.

مقدمه

نهادینه کردن فرهنگ دینی در سطح جامعه از مهمترین راهکار رویایی با هجمه‌های گسترده‌ی فرهنگی می‌باشد و جهت مقابله با خصمه‌های دشمن نیاز به شناخت راه‌های علمی و عملی است تا بتوان جامعه‌ای سالم همراه با مبانی دینی و اسلامی تشکیل داد. در این نوشتار به راه‌های علمی جهت تقویت عمیق و صحیح نسبت به حقایق دین و تقویت تعقل و تفکر و راه‌های عملی جهت پایه‌ریزی جذب دین از کودکی و نوجوانی، تعلیم و تربیت همگانی، تزکیه همگانی، برپایی گسترده شعائر دین، سالم سازی محیط خانواده و اجتماع، ترویج فرهنگ مسئولیت‌پذیری و به کارگیری شیوه‌های کاربردی پیام‌رسانی دینی با استفاده از هنر اشاره خواهیم کرد.

راه‌های علمی نهادینه کردن فرهنگ دینی



MARCH 10, 2024 | TEHRAN

۲۰ اسفند ۱۴۰۲
محل برگزاری: تهران

اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش

۱-۱- تقویت معرفت عمیق و صحیح نسبت به حقایق دین

لازمه دین‌داری آگاهی صحیح و عمیق (تفقه) نسبت به حقایق دین است. معرفت نه تنها یکی از ارگان و شرایط و عناصر ایمان است، بلکه بعد از حصول ایمان نیز تقویت‌کننده‌ی ایمان است و معرفت نسبت به حقیقت دین و ارزش و عظمت آن موجب می‌شود تا انسان همواره در مقام حفظ این گوهر گرانبها و کلید نجات و سعادت خود باشد و خود را مدافع دین قرار دهد. از نظر قرآن کریم و روایات، ایمان محکم و راسخ ایمانی است که بر یقین و معرفت عمیق استوار است. به فرموده‌ی امام علی (علیه السلام): «الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِفْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ؛ ایمان بر شناخت با قلب، اقرار با زبان، و عمل با اعضاء و جوارح استوار است.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۲۷).

اسلام سفارش بسیاری به کسب معارف دینی و تفقه و تدبّر در دین و تعالیم انبیاء نموده است. اساساً دین‌داری و اعتقاد راسخ و یقینی به خدا و تعالیم دین، بدون علم و معرفت ممکن نیست و این معرفت می‌تواند دارای ضعف و شدت باشد و دچار کاهش و تقویت شود و هرچه قدر آگاهی انسان به آموزه دینی عمیق‌تر و کامل‌تر باشد، دین‌داری او قوی‌تر و ایمان او راسخ‌تر خواهد بود. (مهدی، نکوهی سامانی، آسیب‌شناسی دین و معرفت دینی، ص ۳۴۸ و ۳۴۷).

پس برای نهادینه کردن فرهنگ دینی در جامعه باید شناخت خود را بیشتر نمود و عمق بخشید که با اقدامات زیر می‌توانند این جنبه را تقویت کنند:

الف) مطالعه زندگی نامه پیامبران و امامان و علماء: انسان معمولاً تحت تأثیر دیگران قرار می‌گیرد. خصوصاً اگر دیگران افراد شاخص و برجسته باشند. پیامبران و امامان (علیهم السلام) و علمای بزرگ از نظر علمی و پایبندی به دین الگو بودند. مطالعه زندگی نامه و سیره‌ی آنها تأثیر زیادی روی انسان می‌گذارد.

ب) شرکت در جلسات اخلاق: که تأثیر انکارناپذیر در نهادینه کردن فرهنگ دینی در جامعه دارد.
ج) مطالعه کتاب‌های اخلاقی.

د) مطالعه آیات و روایات: زیرا بدون شناخت قرآن و تعالیم و راهنمایی و هدایت امام، انسان نمی‌تواند به حقیقت دین راه یابد و دین‌دار واقعی باشد.

ه) تفکر عبرت‌آموز: تفکر می‌تواند جوانب بسیار زیادی داشته باشد؛ مثلاً تفکر در مورد خالق هستی و قدرتش، در مورد پیچیدگی‌های عالم خلقت و توجه به این مسئله که این اسرار بدون خالق توانا شکل نمی‌گیرند. تفکر درباره‌ی سرگذشت افراد بی‌دین که چگونه از این دنیا رفته‌اند. تفکر درباره‌ی زندگی، مرگ، نعمتهای بهشتی و عذاب جهنم و انسانیت، همگی می‌توانند دین را در انسان تثبیت کنند.

س) توجه به فواید دین‌داری: اصل دین‌داری برای سرای آخرت است؛ اما در دنیا نیز، فواید، برکات و آثاری دارد که نباید آنها را فراموش کرد؛ به عنوان مثال: دین‌داری سبب آرامش روان، سلامت روان، رضایت از زندگی و شادکامی در زندگی می‌شود. توجه به این جوانب و فواید دیگری که فرد در افراد دین‌دار مشاهده می‌کند، می‌تواند روحیه‌ی دین‌داری را تقویت کند. (سایت اندیشه قم، مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات، تقویت اعتقاد و معلومات)

۱-۲- تقویت تعقل و تفکر

یکی دیگر از راه‌های علمی نهادینه کردن فرهنگ دینی در جامعه، تقویت عقلانیت اعتقادی و تبیین عقلانی دین است. هر قدر ایمان و معرفت دینی متدینان از پشتوانه عقلانی و براهین متقن برخوردار باشد، مجال شبهه‌افکنی از کج‌اندیشان و دین‌ستیزان سلب می‌شود. امروز ارائه دین بدون استناد به مبانی عمیق فلسفی و عقلی آن و بدون قدرت دفاع عقلی و بدون تسلط کافی برای نشان دادن چهره‌ی عقلانی و فطری دین ممکن نیست. امروز مردم از دین و دین‌داران مطالب معقول و خردپسند می‌خواهد و خواهان دستوره‌های مفید و پیام‌های معنوی و اطمینان‌بخش هستند. همان‌طور که قرآن کریم با تعابیر گوناگون پیروان خود را به تعقل و



MARCH 10, 2024 | TEHRAN

۲۰ اسفند ۱۴۰۲
محل برگزاری: تهران

اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش

تفکر و تدبیر دعوت کرده است و بیش از سیصد آیه در مورد اهمیت و ارزش عقل و تعقل وجود دارد. از نظر قرآن بدون تعقل و تدبیر انسان نه می‌تواند حقیقت دین را دریابد و نه می‌تواند دین‌دار خوب و کاملی باشد. از منظر قرآن کریم پذیرش و درک پیام دین مبتنی بر تعقل و خردورزی است و در مقابل نفی دین و دین‌گریزی نشانه سفاهت و بی‌خردی است.

«وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ؛ جز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آیین ابراهیم، روی گردان خواهد شد؟!» (سوره بقره (۲)، آیه ۱۳۰).

قرآن کریم همواره در آیات متعدد انسان‌ها را به تعقل و تدبیر دعوت نموده است و تعقل را وسیله‌ی درک آیات الهی و ادراک عظمت الهی و زمینه‌ساز خضوع و خشوع در برابر خدا و وسیله انتخاب آگاهانه راه صحیح و صراط مستقیم و عبودیت و درک خیرات و نیکی‌ها و عمل به آنها شمرده است.

«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟» (سوره زمر (۳۹)، آیه ۹)
«أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَقْفَالِهِمْ؛ آیا آنها در قرآن تدبیر نمی‌کنند، یا بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟» (سوره محمد (۴۷)، آیه ۲۴).

«كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛ خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می‌سازد، تا پرهیزکار شوند.» (سوره بقره (۲)، آیه ۱۸۷).

3 همه‌ی خیرها و ارزش‌های خوب در پرتو عقل حاصل می‌شوند و هرکس که عقل ندارد، دین هم نخواهد داشت «لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ» با عقل و استدلال عقلانی است که آدمی پیروی از دین را سعادت‌بخش می‌داند و می‌تواند حسن و قبح امور را تشخیص دهد و به حکم عقل است که انسان می‌تواند پیامبران و محتوای پیام آنان را تصدیق کند. پس عقل، هم در مسائل نظری و اعتقادی و هم در مسائل عملی و اخلاقی می‌تواند به صدق و کذب و حسن و قبح امور و حق و باطل بودن و حکیمانه یا سفیهانه بودن چیزی حکم کند.

جامعه‌ای که به عقل بها می‌دهد و می‌کوشد باورهای دینی و معتقدات خود را با نیروی برهان و یقین ببیند، نه ظن و تخمین و تعبد و تقلید، هرگز زیر بار خرافه و اوهام نمی‌رود و در یک کلام می‌توان گفت: دین‌داری و حفظ دین در گرو عقل‌مداری و خردورزی است. (مهدی، نکوهی سامانی، همان، ص ۳۶۰ و ۳۵۹).

راه‌های عملی نهادینه کردن فرهنگ دینی

۱-۲- پایه‌ریزی جذب و استوار کردن دین به طور صحیح از کودکی و نوجوانی

یکی از مهم‌ترین وظایف والدین و اولیای کودکان، فراهم آوردن اسباب لازم و مفید در گرایش فرزندان و کودکان به مذهب است. طبیعی است هرچه از کودکی به عنوان باور نهادینه گردد و روی آن کار شود، بسیار ریشه‌دارتر و مستحکم‌تر خواهد بود.

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «أدبوا اولادکم علی حبّی و حبّ اهل بیتی و القرآن؛ فرزندان خودتان را بر مبنای محبت من و محبت اهل بیتم و قرآن تربیت کنید.» (قاضی نورالله، مرعشی، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ج ۱۸، ص ۴۹۸).

در جهت تحقق این هدف، دستورات فراوان دینی وارد شده است که به برخی از آنها به عنوان مثال اشاره می‌کنیم: «از خداوند فرزند صالح خواستن، دایه صالح و خوش خلق برای نوزاد گرفتن، کام نوزاد را با آب فرات و تربت کربلا برداشتن، هنگام تولد و نامگذاری، در گوش او اذان و اقامه گفتن، نام نیک بر او نهادن، نام ائمه را بر او گذاردن، تعلیم قرآن و احادیث اهل بیت، تعلیم اذکار به تناسب سن بچه، آموختن نماز و واداشتن به روزه و غیره».

برای نمونه به برخی از احادیث وارد شده اشاره می‌کنیم:

امام علی (علیه السلام) فرمود:



«مَا سَأَلْتُ رَبِّي أَوْلَادًا نَضَرَ الْوَجْهَ وَلَا سَأَلْتُهُ وَكَدًّا حَسَنَ الْقَامَةِ وَ لَكِن سَأَلْتُ رَبِّي أَوْلَادًا مُطِيعِينَ لِلَّهِ وَجَلِينَ مِنْهُ حَتَّى إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ وَ هُوَ مُطِيعٌ لِلَّهِ قَرَّتْ عَيْنِي؛ من از خداوند متعال فرزندان زیباروی و خوش قامت نطلبیدم بلکه از پروردگارم خواستم فرزندان بی‌من عطا کند که مطیع خدا و خائف از او باشند تا هرگاه به آنان می‌نگرم که مطیع خداوند، چشمانم روشن گردد» (محمدباقر، مجلسی، همان، ج ۱۰۱، ص ۹۸).

امام صادق (علیه السلام) به سلیمان بن هارون عجلی فرمود: «مَا أَظُنُّ أَحَدًا يُحَنِّكُ بِمَاءِ الْفُرَاتِ إِلَّا أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ گمان نمی‌کنم کسی کام نوزاد را با آب فرات بردارد مگر آن که ما خاندان را دوست خواهد داشت» (همان، ج ۹۷، ص ۲۲۸) و نیز فرمود: «حَنِّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِتُرْبَةِ الْحُسَيْنِ فَإِنَّهُ أَمَانٌ؛ کام فرزندان خود را با تربت حسین (علیه السلام) بگیرد که مایه‌ی ایمنی است» (همان، ج ۹۸، ص ۱۲۴).

اذکار و اعمال سفارش شده در سنین کودکی عبارتند از «آموختن تهلیل در ۳ سالگی، آموختن شهادت به رسالت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از ۳/۵ سالگی، تمرین صلوات از ۴ تا ۵ سالگی، آموزش قبله، سجده و رکوع از ۶ سالگی، تمرین نماز و بیدار شدن برای خوردن سحری از ۷ سالگی، نبوسیدن جنس مخالف دختر ۶ ساله و پسر ۷ ساله».

اصل اعتدال از اصول مورد توصیه اهل بیت (علیهم السلام) در برخورد تربیتی با فرزند است. به عنوان مثال از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که کودک را با خود به مسجد ببر ولی هرگز طول ندهید. او را به نماز تشویق کنید ولی به انجام نوافل و نماز شب وادارش نکنید. به روزه تشویق کنید ولی هرگاه خسته و گرسنه شد او را وادار به افطار کنید.

4 و نیز از معصوم (علیه السلام) نقل شده است که ما کودکانمان را وامی‌داریم نماز ظهر و عصر را باهم بخوانند. انجام تکلیف مذهبی به شکلی نباشد که کودک یکبار در ظهر و یکبار در عصر خود را آماده نماز کند و از این بابت احساس رنج کند. باید گفت رعایت اصل اعتدال در اعمال مذهبی یکی از مهمترین اصول در حفظ محبت نسبت به مذهب می‌باشد و اگر همه‌ی عوامل لحاظ شود اما به این مهم توجه نشود، بی‌اثر و بلکه بدآثر خواهد بود. (مرجان، درستی مطلق، راهکارهای گرایش جامعه به دینداری، نامه جامعه، شماره ۱، مهر ۱۳۸۳).^۱

و از آنجا که تربیت مذهبی و کودک دارای سیر منطقی و منظمی است، به رعایت تناسب بین مفاهیم آموختنی به کودک و سن او در اسلام توجه خاصی شده است. آنچه به کودک درباره‌ی آموزه‌های دینی ارائه می‌شود و او یاد می‌گیرد فقط از طریق تکرار، تقلید و آشنایی است. مفاهیم مذهبی با بالا رفتن سن او کمتر می‌شود و تعقل و تفکر جای تقلید صرف را می‌گیرد.

البته اجبار کودک به یادگیری مفاهیم و اعمال مذهبی بسیار اشتباه است چراکه با خوشی و سروری او در تعارض است و گاه منجر به سرخوردگی، لج‌بازی و بی‌رغبتی نسبت به مسائل دینی می‌شود، بلکه باید نسبت به این امر، کاملاً ظرفیانه برخورد کرد.

در این سنین، کودک به نوع رفتار و عملکرد والدین در موقعیت‌های گوناگون توجه ویژه دارد و به صورت غیرمستقیم آنها را می‌آموزد. بنابراین، واکنش افراد خانواده نسبت به مسائل مذهبی بر او تأثیر عمیقی می‌گذارد و زمینه‌ی گرایش یا طرد مذهبی در او فراهم می‌آید. انجام عبادت‌ها در حضور فرزند، او را تشنه هم‌رنگی با آنان می‌کند. اگر والدین و بزرگترها در صورت علاقه‌مندی و همراهی کودک در این زمینه، پاداشی برای تشویق او در نظر بگیرند، کودک را برای تکرار عمل شایسته‌اش مشتاق‌تر می‌سازند. تشویق و تقویت رفتار مثبت کودکان، سبب شکل‌گیری عادات‌های ارزشمند در آنان می‌شود. زمانی باید کودک را تشویق کرد که رفتار پسندیده‌ای از او سر بزند که البته، می‌تواند به صورت کلامی، غیرکلامی، مادی و معنوی، مستقیم یا غیرمستقیم باشد.

درباره‌ی روش مناسب یاددهی مفاهیمی چون خدا، قیامت و غیره این نکته مهم است که شناخت ادراک کودک در این سنین بیشتر حسی است و بنا به اقتضای سن و سالش، نمی‌تواند مسائل را به صورت عقلانی درک کند، از این‌رو بهتر است او را با نشانه‌ها و زیبایی‌های محسوس خلقت آشنا کرد و این‌گونه او را متوجه آفریننده ساخت. چنین شناختی احساسی خوشایند نسبت به خدا در

^۱. <http://ensani.ir/fa/article/70214>



او پدید می‌آورد که در پایداری رابطه وی با خداوند و پیدایش رفتارهای مثبت دینی مؤثر است. در مقابل باید از بیان شدت عذاب جهنم و مسائلی این چنین و ارائه چهره‌های خشمگین و غضبناک از خداوند که در فاصله گرفتن کودک از خدا تأثیر دارد پرهیز کرد. (سایت راسخون، راه‌های تثبیت دین در جامعه، تاریخ دانلود ۱۳۹۸/۱۲/۲۵، ساعت دانلود: ۱۱:۰۴).^۲ در آموزش به آنها، تنوع موضوعات را در نظر داشته باشید. به عنوان مثال موضوعاتی که در سنین مختلف باید مطرح شوند عبارتند از:

الف) کودکان ۴ تا ۵ ساله:

۱. داستان‌های ساده و صریح به ویژه دارای شخصیت‌های حیوانات و کودکان.

۲. توضیح ساده‌ی حق و باطل و درستی و نادرستی.

۳. خواندن آیات قرآن با آهنگ.

ب) کودکان ۶ تا ۸ ساله:

۱. داستان‌های مهیج.

۲. بیان داستان‌های رویارویی مستقیم با خداوند (مثبت و منفی).

۳. اصول اخلاقی.

۴. خواندن آیات با آهنگ و صوت.

ج) کودکان ۹ تا ۱۲ ساله:

۱. داستان‌ها و الگوهای شخصیتی.

۲. آموزش آیاتی که باورهای کلیدی (اصول دین) را مطرح کرده‌اند.

۳. اختصاص اوقاتی برای انجام تکالیف مذهبی و وظایف اخلاقی.

۴. خواندن اشعار عرفانی و حفظ آیات قرآن.

د) نوجوانان:

۱. داستان‌هایی درباره‌ی توسعه و رشد جوامع مذهبی.

۲. مطالعه عمیق‌تر باورهای کلیدی (اصول دین).

۳. درک معانی مناسب مذهبی.

۴. مطالعه اشعار عرفانی و نمادین مذهبی.

ه) جوانان:

۱. مطالعه تاریخ.

۲. مباحث دینی و فلسفی مرتبط با ایمان.

۳. درک اصول مذاهب دیگر.

۴. اصول رابطه خدا و پدیده‌ها.

۵. داستان‌های حماسی و نوشته‌های نمادین مذهبی و ...

قرآن که کتاب آسمانی و مقدس دین اسلام است را به گونه‌ای جذاب به فرزندانمان معرفی کنید و به زبانی قابل فهم برای آنها نقل کنید، از وسایل کمک آموزشی (فیلم، نقاشی، کتاب، سرود و ...) اشاره کنید و به آنها کمک کنید تا آیات کاربردی در هر سنی را حفظ کنید خصوصاً در سن ۳ تا ۱۰ سالگی که قدرت حافظه بیشتری دارند و بیشتر از آن که بفهمند، حفظ می‌کنند که این حفظ

2. <https://rasekhoon.net/article/show/194001>



MARCH 10, 2024 | TEHRAN

۲۰ اسفند ۱۴۰۲

محل برگزاری: تهران

اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش

آیات به صورت گنجینه‌ای درون آنها ذخیره شده و هنگامی که قادر به درک و فهم مطالب باشند کمک مؤثری به آنها خواهد بود. والدین و معلمان در هر سنی باید متناسب با بچه‌ها یک نوع آموزش را انتخاب کنند: ۱. آموزش بدون برنامه که در تمام اوقات صورت می‌گیرد و محصول دیدن، شنیدن و تفسیری است که کودک از دیده‌ها و شنیده‌ها دارد. ۲. آموزش آگاهانه و با برنامه: که به طور آگاهانه به آموزش فرزندان پرداخته می‌شود و از تمامی منابع دسترس بهره می‌گیرند و با داشتن هدفیابی خاص، برنامه‌ای برای رسیدن به آنها تنظیم می‌کنند. (مرجان، درستی مطلق، همان (با اندکی تلخیص)).

۲-۲- تعلیم و تربیت همگانی

آموزش و پرورش همگانی از جمله مهمترین حوزه‌های تأثیرگذار در سعادت و شقاوت جامعه است از طرفی نقش حکومت در آموزش و پرورش غیرقابل انکار است. لذا کارگزاران بسته به کیفیت تأثیرگذاری در نظام آموزش و پرورش جامعه تأثیری سرنوشت‌ساز در حرکت جامعه به سمت صلاح یا فساد دارند. یکی از اهداف مهم پیامبران تعلیم و تربیت مردم و رها کردن آنها از جهالت و گمراهی است.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (سوره جمعه (۶۲)، آیه ۲). اوست که در میان مردم بی‌سواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را از (از آلودگی‌های فکری و روحی) پاکشان کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، و آنان به یقین پیش از این در گمراهی آشکاری بودند».

گمراهی آشکاری که در این آیه به عنوان سابقه‌ی قوم عرب بیان شده اشاره سربسته و پرمعنایی است به عصر جاهلیت که گمراهی بر سراسر جامعه حکم فرما بود و جهل و بدبختی در تمامی رفتار و گفتارشان هویدا بود.

آنها بت‌های خودساخته را می‌پرستیدند و دخترانشان را با دست خود زنده به گور کرده و به آن مباحثات می‌کردند. نماز و نیایش آنها کف زدن و سوت کشیدن در کنار خانه کعبه بود و حتی زنان به صورت عریان برگرد خانه‌ی خدا طواف می‌کردند. انواع خرافات و موهومات بر افکارشان حاکم بود. (ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ص ۱۰۸). و در یک جمله عصر جاهلیت مصداق بارز یک جامعه شقاوت‌مند بود. در چنین شرایطی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با سلاح تعلیم و تربیت به میدان آمد و در مدت بسیار کوتاهی جامعه را به جایی رساند که فضایل اخلاقی و ارزش‌های انسانی جایگزین جهل و خرافات شد. آنچه سبب رها کردن چنین جامعه‌ای از مؤلفه‌ای فوق شد، تابش نور علم و حکمت توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. در جامعه‌ای که جهل و نادانی بر افکار مردم آن جامعه مسلط است خرافات و اوهام، دشمنی و کینه‌توزی، ظلم و ستم و ... در بالاترین اندازه خود تجلی می‌کنند و این جامعه با سرعت هر چه تمام‌تر از کمال و سعادت دور می‌شود.

جامعه‌ای که دانش و آگاهی در آن محور گفتار و رفتار مردمان نیست علاوه بر اینکه در روابط و تعاملات درون خود دچار تشتت و پراکندگی است در میان دیگر جوامع ذلیل و خوار است چراکه انحطاط علمی و فرهنگی، زمینه‌ساز انحطاط اقتصادی و سیاسی و نهایتاً ضعف و زبونی است. چنین اجتماعی در حوزه‌ی سیاست داخلی و خارجی ضربه‌پذیر و در اقتصاد نیازمند دیگر جوامع است. از آنجا که نظام تعلیم و تربیت در یک جامعه در اختیار حکومت است لذا مدیران با تصمیم‌گیری‌هایشان و کیفیت عملکردشان در این حوزه مستقیماً در پیشرفت جامعه تأثیرگذار هستند. به همین جهت مولای متقیان (علیه السلام) یکی از مهم‌ترین وظایف حاکمان را، آموزش مردم بر شمرده‌اند: «عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُعَلِّمَ أَهْلَ وَكَلَيْتِهِ حُدُودَ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانَ؛ بر زمامدار است که بر مردمان تحت حکومتش حدود اسلام و آسمان را بیاموزد» (علی بن محمد، لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ۱۳۷۶، ص ۳۲۸)

در اندیشه‌ی سیاسی اسلام وظیفه حکومت و حاکمان تنها توجه به معیشت و رفاه مردم و یا تأمین امنیت آنها نیست بلکه توجه به تعلیم و تربیت مردم از جمله اموری است که همواره باید مورد توجه مسئولان باشد. (زهادت، عبدالمجید، تعلیم و تربیت در

نهج البلاغه، ص ۵۴)

زراره بن اعین روایتی از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده است که ایشان فرمود:

«کان علی (علیه السلام) إذا صلی الفجر لم یزل معقبا إلى أن تطلع الشمس فإذا طلعت اجتمع إليه الفقراء و المساکین و غیرهم من الناس فیلعلمهم الفقه و القرآن؛ علی (علیه السلام) هنگامی که نماز صبح را می گزارد تعقیبات نماز را به جای می آورد تا خورشید طلوع می کرد با طلوع خورشید، تهیدستان و مستمندان و دیگر مردمان نزد او گرد می آمدند و او به آنان، فقه و قرآن می آموخت.» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ص ۱۰۹).

آنچه در این روایت قابل تأمل است اینکه آموزش امام شامل همه اقشار جامعه می شد به عبارتی حضرت علی (علیه السلام) آموزش همگانی را برنامه روزانه خود قرار داده بود.

اهمیت و تأثیر مهم این مقوله در حرکت جامعه به اندازه ای است که یکی از توصیه های مستمر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت علی (علیه السلام) به کارگزاران، نمایندگان و فرستادگان، اهتمام به آموزش و تربیت مردمان بود که نمونه آن را می توان در توصیه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) معاذ بن جبل به هنگام ارسال او به یمن مشاهده کرد.

۱. ای معاذ! به آنها قرآن بیاموز.

۲. آنها را براساس اخلاق شایسته تربیت کن.

۳. معلمان و مبلغان را برای تعلیم و ارشاد مردم اعزام کن.

۴. مردم را موعظه کن و معاذ را به آنها تذکر بده. (ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، ص ۲۵).

وظیفه ی آموزش و پرورش همگانی امروزه از اهمیت بیشتری برخوردار است چراکه نسبت به گذشته از پیچیدگی های بیشتری برخوردار است لذا پیش از هر چیز، مسئولان امر باید با تصمیم گیری های صحیح و اجرای دقیق آنها شرایط را برای استفاده همگان از نظام آموزشی فراهم سازند. سپس با ارائه متون غنی و منطبق بر منابع دینی و به کارگیری معلمان و اساتید متخصص و متعهد نظام آموزشی متناسب با اهداف نظام اسلامی پایه ریزی کنند. البته این تنها بخشی از نظام تعلیم و تربیت است. رسانه ها، کتابها و تمام دستگاه هایی که با فرهنگ سر و کار دارند بخش مهمی از نظام تعلیم و تربیت را تشکیل می دهند که باید با اهتمام مسئولان وظیفه ی خود را به درستی به انجام رسانند.

برای اینکه آموزش و پرورش در جامعه به درستی نهادینه شود باید این دغدغه در کارگزاران وجود داشته باشد و براساس آن تصمیم گیری کرده و عمل نمایند؛ و سیاست های تشویقی و تنبیهی را در مسیر تقویت آن به کار بندند. توصیه حضرت علی (علیه السلام) به تعلیم و تربیت مردمان، با اقدامات عملی مؤثری همراه بود. سالم بن ابی جعد می گوید: «علی (علیه السلام) برای کسانی که قرآن قرائت می کردند دو هزار مقرر تعیین کرد و پدرم از جمله قاریان قرآن بود.» (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۴، ص ۲۵۵)

سیاست های به کار گرفته شده توسط کارگزاران باید به گونه ای باشد که معلمان و متعلمان در هر سطحی به تعلیم و تربیت مشتاق شوند. علم و دانش از ارزش بالایی برخوردار شود و کسانی که در این حوزه مشغول به فعالیت هستند از امنیت اقتصادی مناسبی برخوردار باشند در این صورت نظام تعلیم و تربیت رونق گرفته و نتیجه آن با بالا رفتن سطح اندیشه و عمل افراد جامعه و در نهایت، تعالی جامعه می شود؛ اما در مقابل، نبود آموزش و دانایی بستر ستم پذیری را فراهم می کند و نبود پرورش و پرواداری موجب ستمگری می شود، از این رو آموزشی که دانایی زیست انسانی و ایمانی را به بار آورد و پرورشی که فرد و جامعه را به اخلاق مداری و حقوق گرایی می آراید. مهمترین و اساسی ترین زیرساخت زندگی بر محور عدالت و مقدمه وصول آن به سعادت است. (کهن ترابی، راه های نهادینه سازی فرهنگ دینی توسط کارگزاران و تأثیر آن بر پیشرفت جامعه با تأکید بر آموزه های نهج البلاغه، ص ۱۰).

۳-۲- تزکیه همگانی

برای نهادینه شدن فرهنگ دینی در جامعه، شخص و جامعه هر دو باید تزکیه شوند تا زمینه‌ی کسب معارف الهی فراهم آید؛ چون معارف پاک یعنی همان علم و نور الهی تنها در آیین‌های شفاف می‌درخشد؛ نه در آیین‌های زنگار گرفته. (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۷، ص ۱۰۱).

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زُجْجٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ؛ اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال آیات متشابه‌اند، تا فتنه‌گری کنند و تغییر (نادرستی) برای آن می‌طلبند.» (سوره آل عمران (۳)، آیه ۷). خداوند رستگاری را در تزکیه و زین‌کاری و محرومیت را در آلودگی نفس به گناه می‌داند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؛ که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده * و آنکه نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نوید و محروم گشته است.» (سوره شمس (۹۱)، آیه ۱۰ - ۹).

از این رو قرآن کریم در آیاتی بسیار پیامبرش را فرموده است که شما افزون بر تلاوت و ابلاغ کلام الهی، وظیفه داری مردم را به پاک‌سازی از هر نوع پلیدی اعم از معتقدات فاسد چون شرک و کفر، ملکات رذیله چون تکبر و بخل، و هم اعمال فاسد و شنیع چون کشتن و زنا و شراب‌خواری دعوت کنی (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۹۶ (ذیل آیه ۱۵۱ سوره بقره)). و آنها را به پاکی سوق دهی تا پرورشی صالح یابند؛ پرورشی همراه خیر و برکت، به طوری که اخلاق فاضله و اعمال صالح عادتشان گردد. (همان، ج ۱۹، ص ۴۴۸ (ذیل آیه ۲ سوره جمعه)). و آنگاه کتاب و حکمت و آنچه را علم بشر نسبت به آن ناتوان است، یعنی تمام معارف اصولی و فروعی دین را به آنها بیاموزی، تا در انسانیت خود به کمال برسند. (همان، ج ۱، ص ۴۹۶ (ذیل آیه ۱۵۱ سوره بقره)).

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ؛ چنان که در میانتان، رسولی از خودتان فرستادیم تا آیاتمان را برای شما تلاوت می‌کند و نفوستان را پاک می‌گرداند و به شما تعلیم کتاب و حکمت می‌دهد و آنچه را نمی‌دانید، به شما می‌آموزد.» (سوره بقره (۲)، آیه ۱۵۱).

چنان که حضرت ابراهیم و اسماعیل (علیهم السلام) هنگام تجدید بنای کعبه برای ذریه‌شان از خداوند پنج دعا و درخواست کردند: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيكُمْ...؛ پروردگارا! پیامبری در میان آنها از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند...» (همان، آیه ۱۲۹).

این اندازه از تزکیه، تنها مقدمه‌ی کسب معارف و قابلیت تعلیم است، اما کافی نیست؛ چراکه ابلیس و نفس اماره دائم انسان را وسوسه و رهنی می‌کنند، از این رو برای خلاصی و در امان ماندن از آن دو، می‌باید تزکیه نیز دائم باشد. چنان که آیات پیش گفته «تلاوت، تعلیم و تزکیه» هر سه را با فعل مضارع آورده که افزون بر مقتضای استمرار روحی و دوام آن تا قیامت حکایت دارد که تلاوت برای منتهی شدن به تعلیم، و تعلیم برای ثمربخشی به تزکیه باید ادامه داشته باشد و این سه؛ یعنی تلاوت، تعلیم و تزکیه را هم رهبر دینی باید محور برنامه‌ی ارشادی خود قرار دهد و هم امت اسلامی فراگیرد. (عبدالله، جوادی آملی، همان، ص ۸۰).

پس برای اثرگذاری تزکیه و تعلیم در نهادینه شدن فرهنگ دینی در جامعه، باید به صورت مستمر دغدغه همگان باشد و این خبر با آموزش و رسیدن به معرفتی متکی بر تزکیه و تعلیم خود و جامعه میسر نمی‌شود. تزکیه خود در پرتو مراقبه و محاسبه است که عالمان ربّانی آن را در سیر و سلوک خود داشته‌اند و تزکیه جامعه به برداشتن ناهنجاری‌های اجتماعی و جایگزینی هنجارهاست. (نیاخطیر، نقش ولایت در نهادینه کردن باورهای دینی در جامعه از دیدگاه قرآن کریم، ص ۱۹).

یکی از مشکلات آموزش‌های دینی در جامعه‌ی ما غفلت از شکل‌دهی رفتار دینی افراد و محدود شدن به آموزش مسائل نظری است. لازم است در کنار آموزه‌های دینی، راهکارهای رفتاری ارائه شود. این روش به تثبیت دین، درونی‌سازی آن در ضمیر فرد و نهادینه‌سازی در جامعه می‌انجامد. آموزش‌های نظری، بنیانی است که دریافت و پذیرش آموزه‌های عملی را در پی دارد. آنچه فرد را، به واقع، مؤمن و متدین می‌سازد، رفتارهای او در عرصه‌های گوناگون زندگی است. آموزش‌هایی که فقط جنبه‌ی نظری دارد، به



MARCH 10, 2024 | TEHRAN

۲۰ اسفند ۱۴۰۲
محل برگزاری: تهران

اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش

منزله‌ی داغ کردن تنور و رهاسازی آن است. داغی تنور در صورتی ارزشمند است که به تولید نان بینجامد. بدین جهت، باید در کنار تقویت بنیان نظری و اعتقادی، افراد را به انجام اعمالی دعوت کرد که شخصیت و روان آنها را شکل دهد. آموزه‌های دینی باید به سمت سازماندهی و هدایت رفتار فرد حرکت کند تا به تدریج عادات دینی را در جوانان راسخ سازد و از تثبیت گرایش و سلوک ضددینی ممانعت کند. تشویق به ایجاد عادات مذهبی از سنین اولیه‌ی کودکی مانند شرکت در نماز جماعت و جمعه، بهره‌وری لذت بخش از دعاها و نمازها، برگزاری مداوم جلسات کوتاه قرائت قرآن با تدبیر، خودسازی گروهی با استفاده از مربیان وارسته، کشف عیوب از طریق اقوام و دوستان صادق، تقویت ابعاد معنوی، بهره‌وری نیکو از عمر، کمک علمی و عملی به محرومین، تشویق به حشر و نشر با اولیای الهی و انسان‌های وارسته مانند علماء و عرفا، ارتباط مداوم با مساجد و هیئت‌های مذهبی و ... برخی از گام‌های رفتاری است که می‌توان نام برد.

همان‌طور که قرآن کریم ایمان و عمل صالح را غالباً در کنار هم ذکر می‌کند و پس از تثبیت باورهای دینی مردم را به رفتارهای متناسب فرامی‌خواند. (ساجدی، دین‌گزینی چرا؟ دین‌گرایی چه‌سان؟ قرآن و نظام تربیتی نسل نو، ص ۱۵۱)

۲-۴- برپایی گسترده شعائر دین

نتیجه تمامی اصول اعتقادی و اصلاحات اجتماعی پیشوایان، آزاد کردن از پرستش غیرخدا با معرفی درست آفریدگار و ایجاد عشق او در دلها و تشکیل حکومت عادلانه براساس قوانین الهی و جلوگیری از ستم زورمندان و بهره‌کشی انسان از انسان است. یکی از ارکان تأثیرگذار در برپایی دین و شعائر آن و تثبیتش در جامعه، کارگزاران هستند.

یکی از اساسی‌ترین وظایف کارگزاران علاوه بر اینکه خودشان باید معتقد و مستلزم به دستورات دینی باشند، این است که به احیاء و تقویت رفتارهای دینی در جامعه بپردازند و از هر اقدامی که مخالف فرامین الهی و یا به نوعی تضعیف‌کننده آن باشد، اجتناب کنند. (رکنی یزدی، سیمای زمامداران دادگر و ستمگر در قرآن، ص ۴۵)

مولای متقیان امام علی (علیه السلام) در نامه‌ای به فرمانداران شهرها ضمن تعیین اوقات نماز از کارگزاران خویش می‌خواهد در میان نمازگزاران حضور پیدا کنند و نماز را با جماعت در کنار مردم اقامه کنند.

«أَمَّا بَعْدُ فَصَلُّوا بِالنَّاسِ الظُّهْرَ حَتَّى تَفِيءَ الشَّمْسُ مِنْ مَرْبِئِ الْعَنْزِ، وَ صَلُّوا بِهِمُ الْعَصْرَ وَ الشَّمْسُ بِيَضَاءِ حَيَّةٍ فِي عَضْوٍ مِنَ النَّهَارِ حِينَ يُسَارُ فِيهَا فَرَسَخَانِ. وَ صَلُّوا بِهِمُ الْمَغْرِبَ حِينَ يَفْطُرُ الصَّائِمُ، وَ يَدْفَعُ الْحَاجَّ إِلَى مَنَى. وَ صَلُّوا بِهِمُ الْعِشَاءَ حِينَ يَتَوَارَى الشَّقَقُ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ، وَ صَلُّوا بِهِمُ الْعِدَاةَ وَ الرَّجُلُ يَعْرِفُ وَجْهَ صَاحِبِهِ وَ صَلُّوا بِهِمُ صَلَاةَ أُضْعَفِيهِمْ، وَ لَا تَكُونُوا فَتَانِينَ؛ پس از یاد خدا و درود! نماز ظهر را با مردم وقتی بخوانید که آفتاب به طرف مغرب رفته، سایه‌ی آن به اندازه‌ی دیوار آغل بز گسترده شود، و نماز عصر را با مردم هنگامی بخوانید که خورشید سفید است و جلوه دارد و پاره‌ای از روز مانده که تا غروب می‌توان دو فرسخ راه را پیمود، و نماز مغرب را با مردم زمانی بخوانید که روزه‌دار افطار و حاجی از عرفات به سوی منی کوچ می‌کند. و نماز عشاء را با مردم وقتی بخوانید که شفق پنهان، و یک سوم از شب بگذرد، و نماز صبح را با مردم هنگامی بخوانید که شخص چهره‌ی همراه خویش را بشناسد، و نماز جماعت را در حد ناتوان آنان بگذارید، و فتنه‌گر مباشید.» (نهج البلاغه، نامه ۵۲)

در این نامه نکات بسیار مهمی مورد تأکید قرار گرفته است: اولاً اینکه مخاطب این نامه کارگزاران حضرت هستند و این موضوع نشان‌دهنده وظیفه‌ی مهم کارگزاران در اهمیت به نماز است. ثانیاً: امام علی (علیه السلام) از کارگزاران می‌خواهد که در نماز در کنار مردم حضور داشته باشند. این موضوع امروزه به شدت مغفول مانده است. حضور مسئولان در نماز جماعت فواید فراوانی دارد که از جمله آن می‌توان به توسعه گسترش فرهنگ نماز، آشنایی با مشکلات مردم و برداشته شدن فاصله میان مسئولان و مردم اشاره کرد. ثالثاً: متوجه ساختن مسئولان به پرهیز از اقداماتی که باعث دوری مردم از جماعت می‌شود. از آنجا که در آن زمان اغلب فرمانداران و کارگزاران ایشان، امامان جماعت بودند امام به آنها هشدار می‌دهد که مبادا با طولانی کردن نماز سبب دوری از مردم از جماعت شوند بلکه به گونه‌ای رفتار کنند که مردم به اتفاق و با رغبت در جماعت حاضر شوند. از این عبارت می‌توان به یک دستور کلی

رسید و آن اینکه مسئولان باید توجه داشته باشند که مرتکب اقداماتی نشوند که سبب تضعیف نماز و دوری از جماعت و به طور کلی اقامه شعائر دین شود. باید توجه داشت که گسترش فرهنگ نماز و اقامه آن تنها با بخشنامه و حضور معدود و نمادین در جماعت میسر نمی‌شود، بلکه حضور مداوم مسئولان در جماعت و آسیب‌شناسی اقامه نماز در جامعه و رفع مشکلات نمازگزاران و دیگر اقدامات مؤثر و کاربردی سبب تقویت نماز و برپایی باشکوه آن می‌شود. اگر چنین اقداماتی به درستی صورت پذیرد یکایک افراد جامعه در کوتاه‌ترین زمان ممکن آثار مثبت و نتایج سازنده آن را مشاهده خواهند کرد و جامعه از هزینه‌های مادی و معنوی فراوانی که برای مبارزه با انحراف و فساد صورت می‌پذیرد معاف خواهد شد.

هر آنچه در مورد نماز بیان شد در زمینه هریک از دستورات دینی صادق است بنابراین می‌توان گفت کارگزاران باید تمام همت خود را در اجرای این دستورات به کار گیرند و از هر اقدامی که سبب تضعیف دین و قوانین آن شود پرهیز کنند. (میثم، کهن ترابی، همان، ص ۶)

۲-۵- سالم‌سازی محیط خانواده و اجتماع

نقش محیط در ارتباط با گرایش مردم به دین و دین‌داری و یا اعراض آنان از دین انکارناشدنی است. نوع مردم، تابع محیط قرار می‌گیرند و جذب جریان غالب در آن می‌شوند؛ اگرچه استثناء نیز وجود دارد و این به صورت یک قاعده نیست.

بنابراین، هر قدر که اجتماع و محیط، گرایش به امور متعالی و دینی داشته باشد، افراد آن اجتماع نیز کشش و تمایلشان به همان سمت است و اگر محیط و فضای خانواده و اجتماع چنان باشد که همه از دین و مذهب بدگویی کنند و همه‌ی امکانات در راه دوری از دین به کار رود، خواه ناخواه، نوع و اکثریت افراد، تحت تأثیر قرار گرفته، مشی و مرام خود را آنگونه پی می‌گیرند.

خانواده، محله و مدرسه از عوامل نیرومند در پایه‌گذاری شخصیت و تربیت انسان و گرایش او به امور دینی است، ولی محیط اجتماع به مراتب قوی‌تر از آنهاست که برای حفظ فرهنگ دینی در جامعه، همه‌ی این محیط‌ها باید سالم و به دور از هرگونه فساد و آلودگی باشند.

کشش‌های اجتماعی به اندازه‌ای نیرومند و توانا است که عموم مردم از تمام مقرراتش پیروی می‌کنند و بدون اندیشه و فکر، خویشتن را با آداب و سنن آن منطبق می‌سازند. محیط نیرومند اجتماع قادر است به آسانی، جوانان و سایر مردمان را هم‌رنگ خود ساخته، صفات و خلیقات خانوادگی آنها را تغییر دهد؛ امام علی (علیه السلام) در حدیثی به این واقعیت اشاره می‌فرماید: «الناس بِزَمَانِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» (علی بن محمد، لیثی واسطی، همان، ص ۶۶). شباهت اخلاقی مردم به محیط اجتماعی و مقتضیات زمان خود، بیشتر از شباهت به صفات خانوادگی و خلیقات پدران آنها است.

انسان دارای یک گزینه‌ی اجتماعی است و این گزینه، وی را بر آن می‌دارد که در داخل گروه زندگی کند و به همین جهت، انسان همواره نسبت به گروه خود حساسیت فراوان دارد و تابع افراد و عقاید است. هرگاه بدعت تازه‌ای از رسوم پیشین بهتر باشد یا به علی مورد پسند افراد جامعه قرار گیرد، عموم بدان می‌گرایند؛ تبدیل به عادت می‌گردد و خود به خود به تمام افراد جامعه برای تطبیق یافتن با آن، فشار وارد می‌آورد و آدمی ناگزیر بدان خوی می‌گیرد و بدین طریق، آنچه برای جامعه، حکم رسمی داشت، برای فرد جنبه‌ی عادت پیدا می‌کند. آدمی در حقیقت، در شرایط معمولی تحت فشار عادت و بدون تفکر رفتار می‌کند و خود به خود، از راه و رسم اجتماع پیروی می‌نماید.

تأثیر اجتماع و محیط، تنها در امور سطحی زندگی و رفتار و گفتار انسان منحصر نمی‌شود؛ بلکه محیط اجتماعی قادر است در جان افراد نفوذ کند و بر روی عقاید مذهبی و افکار و باورهای آنان نیز اثر گذارد و از راه حق و دین منحرفشان سازد.

تأثیر محیط فاسد بر افراد را از این تعلیم قرآنی می‌توان دریافت: «وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ؛ و فرزندان بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم تا به قومی رسیدند که بر (پرستش) بت‌های خویش همت می‌گماشتند. گفتند: ای موسی! همان‌گونه که برای آنان خدایانی است، برای ما نیز خدایی

قرار ده. گفت: به راستی شما گروهی هستید که نادانی می کنید». (سوره اعراف (۷)، آیه ۱۳۸).

بنی اسرائیل در طول سالیان دراز، اسیر دست فراعنه بودند و با بدترین وضعی زندگی می کردند. موسی (علیه السلام) به امر الهی قیام نمود و با فرعون به مخالفت برخاست و مردم را به عبادت خداوند دعوت نمود. بنی اسرائیل به رهبری آن مرد بزرگ، از سیطره‌ی فرعون رهایی یافتند و با عنایت خداوند از دریای نیل به سلامت گذشتند، اینان به جای آنکه شکرگزاری کنند و به شرک و انحراف نگرانید، با مشاهده‌ی مردمان بت پرست، تحت تأثیر قرار گرفتند و آن محیط فاسد بر افکارشان تأثیر گذاشت و آنان را به بت پرستی متمایل ساخت.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، اقامت یا مهاجرت مسلمانان را به سرزمین‌های غیراسلامی - در مواقع غیرضروری - محدود ساخت. اگر مسلمانی در کشور غیرمسلمان از اظهار شعائر اسلامی عاجز باشد و نتواند به وظایف دینی خود عمل کند و محیط آنجا به گونه‌ای باشد که بر عقاید و باورهایش تأثیر منفی می گذارد، مهاجرت و اقامت در آن محیط، برای وی زبان بار است و به انحراف او از دین و ارزش‌های دینی می‌انجامد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «إِنِّي بَرِيءٌ مِنْ كُلِّ مُسْلِمٍ نَزَلَ مَعَ مُشْرِكٍ فِي دَارِ الْحَرْبِ؛ مَنْ مِنْ هَرِ مُسْلِمَانِي كَهْ فِي دَرِ سَرْمِينِ دَشْمَنَانِ فِي حَالِ جَنْغٍ بِلِ كُشُورِ اِسْلَامِي، اِقَامَتِ كَزِينْدِ، بِيْزَارْمِ». (کلینی، الکافیج ۵، ص ۴۳).

خداشناسی و خداپرستی، مستلزم یک نوع تعالی روحی خاصی است؛ بذری است که در زمین‌های پاک رشد می‌کند و زمین‌های فاسد و شوره‌زار، این بذر را فاسد می‌کند و از میان می‌برد. اگر انسان، در عمل شهوت‌ران و ماده پرست و اسیر شهوات گردد، تدریجاً افکار و اندیشه‌هایش هم به حکم اصل انطباق با محیط، خود را با محیط روحی و اخلاقی موجود سازگار می‌کند و اندیشه‌های متعالی خداشناسی، خداپرستی و خدادوستی، جای خود را به افکار پست مادی‌گری می‌دهد. هر فکر و اندیشه‌ای، برای اینکه رشد کند و باقی بماند، زمینه‌ی روحی مساعدی می‌خواهد. تأثیر جو اجتماعی و خانوادگی بر روی عقاید، تأثیر مستقیم نیست؛ تأثیر غیرمستقیم است. جو فاسد اجتماعی، جو روحی را فاسد می‌کند و جو فاسد روحی، زمینه‌ی رشد اندیشه‌های متعالی را ضعیف و زمینه‌ی رشد اندیشه‌های پست را تقویت می‌کند. به همین جهت، در اسلام به اصلاح محیط اجتماعی توجه زیادی شده است و دین با سیاست‌هایی که اندیشه‌های متعالی را در مردم می‌میراند و زمینه‌ی فساد اخلاقی و عملی آنها را فراهم می‌کند، به شدت می‌ستیزد. (علی، شکوهی، همان، ص ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹).

۲-۶- ترویج فرهنگ مسئولیت پذیری

بی تردید یکی از عوامل مهم سعادت و شقاوت جامعه، حضور همه جانبه فرهنگ مسئولیت پذیری یا همان امر به معروف و نهی از منکر است. محوریت این بحث نقش کارگزاران در احیاء و ترویج آن یا تضعیف و یا مقابله با نشر این سنت پسندیده است. تردیدی نیست که حکومت می‌تواند نقش مهمی در گسترش و تقویت و یا محدودیت و تضعیف امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد. از این رو سیاست‌های حکومت در این مقوله بسیار حائز اهمیت است. امر به معروف و نهی از منکر دو مرحله دارد: مرحله‌ی فردی و مرحله‌ی جمعی.

قسمت اول وظیفه‌ی عموم مردم است و چون جنبه‌ی فردی دارد طبعاً شعاع آن محدود به توانایی فرد است. اما قسمت دوم شکل واجب کفایی به خود می‌گیرد و چون جنبه‌ی دسته جمعی دارد و شعاع قدرت آن وسیع و طبعاً از شئون حکومت اسلامی محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، همان، ج ۳، ص ۳۶) همان‌طور که در این آیه به آن اشاره شده است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ وَ بَآيَازِ مِيَانِ شَمَا گروهي بَآشَنَدِ دَعُوتِگَرِ بَهْ خَيْرِ كَهْ بَهْ نِيكِي فَرْمَانِ دَهَنَدِ وَ اَزِ نَآشَايِسْتِگِي بَآزِ دَارَنَدِ وَ اِيْنَانِ رِسْتِگَارَنَدِ». (سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۰۴).

اینکه حکومت و حکومتیان تا چه اندازه به این مقوله اهمیت می‌دهند، چه تقسیماتی اتخاذ می‌کنند و در تمام عمل چقدر از اشاعه و گسترش آن حمایت می‌کنند، ارتباط تنگاتنگی با سرنوشت جامعه دارد.

اگر اقتصاد، سیاست و دیگر مقوله های فرهنگی به درستی اجرا شود اما امر به معروف و نهی از منکر وجود نداشته باشد جامعه در کوتاه ترین زمان ممکن از مسیر خود منحرف می شود چراکه قدرت، ثروت و رفاهیات محملی برای فساد و انحراف هستند و اگر در مقابل این انحرافات واکنشی صورت نپذیرد به سرعت تمامی جامعه را فرا می گیرد. سخن مولای متقیان (علیه السلام) در این رابطه اهمیت آن را روشن می سازد: «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ؛ وَ تَمَامِ كَارِهَاتِ نِيكُو وَ جِهَادِ دَر رَاهِ خَدَا، بَرَابِرِ أَمْرِ بَعْدَ مَعْرُوفٍ وَ نَهْيِ أَمْرِ مَنكَرٍ، چُونان قَطْرَه آي بَرِ دَرِيَايِ مَوَاجٍ وَ پَهَنَاورِ اسْت.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴).

به همین جهت امام حسین (علیه السلام) در جامعه ای که شقاوت و بدبختی در آن فراگیر شده است قیام کرد و هدف قیام خویش را امر به معروف و نهی از منکر معرفی فرمود.

بنابراین بهترین راه برای اصلاح امور، امر به معروف و نهی از منکر است: «فَرَضَ اللَّهُ... وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِّ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلْسُّفَهَاءِ؛ وَ أَمْرٌ بَعْدَ مَعْرُوفٍ رَا بَرَابِرِ أَمْرِ بَعْدَ مَعْرُوفٍ وَ نَهْيِ أَمْرِ مَنكَرٍ رَا بَرَابِرِ نَهْيِ أَمْرِ مَنكَرٍ، بَزَادِ اسْتِثْنَاءِ بِي خَرْدَانِ أَمْرِ زَشْتِي هَا وَاجِبِ كَرْد.» (همان، حکمت ۲۵۲).

بنابر صراحت امیرالمؤمنان (علیه السلام) در این فراز، اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه وجود داشته باشد هم کارها اصلاح می شود و هم ناشایستگان از انجام کارهایی که به سرنوشت جامعه ضربه می زند بازداشته می شوند. در مقابل اگر توجه به این مقوله با ضعف و سستی همراه باشد و دغدغه کارگزاران اجرای همه جانبه و صحیح امر به معروف و نهی از منکر نباشد عذاب الهی دامن گیر جامعه می شود و دنیا و آخرت مردمان آن جامعه را تباه می سازد.

لذا کارگزاران می توانند این فرهنگ را در جامعه نشر داده و یا از بین ببرند. به عبارتی دیگر ایجاد فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین وظایف تمامی کارگزاران به ویژه مسئولان حوزه فرهنگی است. آنها می توانند با تبیین اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و تأثیر آن در زندگی مردم و پیشرفت جامعه برای همگان و اتخاذ سیاست های تشویقی و تنبیهی و استواری بر دشواری های عمل به آن، زمینه رشد و تکامل جامعه را فراهم سازند. (میثم، کهن ترابی، همان، ص ۱۲).

۲-۷- به کارگیری شیوه های کاربردی پیام رسانی دینی و استفاده از هنر

پیام دین بلندترین و مهمترین پیامی است که باید به مردم ابلاغ شود. حق آن است که در این ابلاغ از هنرهای نمایشی، صوتی و تصویری، فنونی خطابه (استفاده از روش های چهره به چهره، پرسش و پاسخ و بحث گروهی) و شعرسرایی بهره جست. در این میان برای نمایش هنرمندانه پیام دین، تلویزیون به عنوان رسانه همگانی وسیله بسیار مطلوبی است زیرا هم تصویر زیبا هم صدا و آهنگ دلنشین و هم پیام احساس برانگیز را می توان از طریق برنامه های آن به خدمت گرفت. همچنان که قرآن کریم برای رساندن پیام خود در داستان ها از هنرهای تجسمی و نمایشی و کلامی مدد جسته است.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) آنگاه که کودکان خود را به بازی می گرفت و به ترتیب روحی و پرورشی آنان می پرداخت، در قالب اشعار ادیبانه ای مطلب را در ذهن آنها جا می انداخت.

یکی از نمونه های تأثیرگذار و پرمخاطب در تجسم مذهب به شیوه هنری، آثار بلند استاد فرشچیان است که انسان با تماشای نقاشی های ایشان، غالباً خود را در قضای معنوی و روحانی حس می کند و به درک عمیق تری می رسد. کار دیگری که می توان به عنوان نمونه اشاره کرد استفاده از خطوط زیبا (به خصوص نوع جدید خط) به جای خطوط غربی که گرایش به فرهنگ غربی را به دنبال می آورد، بر روی وسایل و لباسها است. (ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام)، ج ۳، ص ۳۸۹)

سیره ای ائمه (علیهم السلام) نشان می دهد که آنان نیز در تعلیم و تربیت از ابزارهای هنری بهره برده اند که در اینجا به ذکر چند نمونه اکتفا می شود: روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مقداری پول بین ابوذر و سلمان تقسیم کرد و بدانها فرمود بروید و فردا بیایید. روز بعد چهار پایه ای روی زمین قرار داد و سپس تختی روی چهار پایه نهاد. زیر چهار پایه آتش روشن بود. پس از

فراهم کردن وسایل، حضرت به یکی از آن دو گفت بالای چهار پایه برو و بگو با پولی که به شما دادم چه کاری انجام دادی. کسی که بالا رفته بود مدت مدیدی در خصوص نحوه‌ی صرف پول توضیح می‌داد، در حالی که پای او می‌سوخت و دائماً آن را جابه‌جا می‌کرد. سپس نفر دیگر روی آن رفت و سریع گفت: من پول را در راه خدا خرج کردم و از چهار پایه پایین آمد. بعد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روی به آنها کرد و فرمود: کاری کنید که روز قیامت سریع بتوانید در خصوص اینکه از عمر خود در چه راهی استفاده‌ای کرده‌اید پاسخگو باشید. در اینجا حضرت با ابزاری ساده شرایط پاسخگویی در قیامت را برای یاران خود تبیین کرد. وقتی عقیل از حضرت علی (علیه السلام) استفاده از بیت‌المال را درخواست کرد، حضرت برای توجه دادن برادرش به آتش جهنم، میله‌ای آهنین داغ می‌کند و به دست وی نزدیک می‌کند.

امام باقر (علیه السلام) برای بیان نحوه‌ی وضو عملاً وضو می‌گیرد و آن را نمایش می‌دهد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز به همین شیوه عمل کرد و فرمود: «نماز بخوانید آن گونه که می‌بینید من نماز می‌خوانم». (علامه حلی، نهج الحق و کشف الصدق، ص ۴۲۳)

امام حسن و امام حسین (علیه السلام) برای توجه دادن پیرمردی به اشتباه وضوی خود، از یک وضوی نمایشی استفاده می‌کنند. هر دو وضو می‌گیرند و مرد سالخورده را به داوری می‌خوانند. گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای توجه دادن افراد به امری مهم، صحنه‌سازی می‌کرد، برای مثال در صحرائی که در ظاهر چیزی نداشت فرمود: هیزم جمع کنید و بعد از جمع شدن خار و خاشاکها فرمود: گناهان کوچک نیز بدین گونه جمع می‌شوند. (ابوالفضل، ساجدی، همان، ص ۱۱۰)

۷-۱-۲- دلایل به کارگیری هنر در تثبیت فرهنگ دینی

۱. هنر کوششی برای آفرینش صور و معانی زیباست هرچا زیبایی یافت شود، عرصه جولان هنر است تا زیبایی را برجسته و آشکار سازد. هر قدر زیبایی فزونی یابد، هنر فراتری برای ترسیم آن لازم است. دین و تربیت دینی چون عرصه‌ی زیبایی است جولانگاه هنر است. زیبایی‌های ملکوتی، معنوی و اخلاقی در اسلام برترین نوع زیبایی‌هاست. بدین جهت کشف و تبیین ارزش آن در پرتو هنر، آن هم نه هنر ابتر که برتر، میسر می‌شود. دین به اعماق ابعاد معنوی نظر دارد که شاید جز از طریق هنر به دقت آشکار نشود.

۲. هنر ابزاری قوی است که می‌تواند مخاطب را به تخیل و تعقل وادارد.

۳. آموزه‌های دینی اگر در غالب‌های هنری ارائه شوند، شنیدن و تماشای آن نه تنها خستگی‌زا نیست؛ بلکه خستگی‌زداست. چراکه لذت‌بخش و فرح‌زاست.

۴. تثبیت ذهنی و قلبی آموزه‌های دینی در سایه‌ی تکرار حاصل می‌شود، از سویی در سایه‌ی هنر است که تکرار غیرممل می‌شود. تکرار اگر غیرهنرمندانه و با به کارگیری شیوه‌ها و زبان‌های گوناگون نباشد، نه تنها به تثبیت دین در دل و دماغ نمی‌انجامد بلکه انسان را گاهی به عقب می‌برد و از دین‌گریزان می‌سازد.

۵. زبان هنری، گویاترین زبان هدایت است، و از لسان یکسره خشک و فلسفی، یا سطحی و بی‌ریشه کارآمدتر است، چنانچه قرآن نیز بر این شیوه پای می‌فشرد.

۶. قرآن، برای هنرمندان، دست مایه‌های نیکو و پرشماری دارد؛ برای مثال حاوی داستان‌های فراوانی است که می‌تواند برای فیلم‌نامه نویسان دست مایه‌ای نیکو باشد. با نگاهی گذرا به سیر تاریخ یکصد ساله سینما، درمی‌یابیم که هنوز سینمای داستانی و قصه‌گو میان مخاطبان عمومی خود در جهان، بیشترین مقبولیت را دارد.

۷. به کارگیری هنر می‌تواند علاقه را در انسان بیشتر کند و به دنبال علاقه، عمل می‌آید زیرا اگر عمل با علاقه همراه گردد ضمانت بیشتری برای استمرار آن در فرد وجود دارد، چراکه از آن پس، او به موانع برونی کمتر اعتنا می‌کند و آسان‌تر در مسیر صواب و اخلاص سیر می‌کند. به عبارت دیگر: هنر توان آن دارد که عمل به آموزه‌های دینی را با علاقه پیوند زند و گرایش و پایبندی به دین را افزایش دهد. (همان، ص ۸۸ تا ۹۳) (با اندکی تلخیص).

بحث و نتیجه گیری

آنچه که در جامعه امروزی مورد اهمیت واقع شده علاوه بر تقویت راه های علمی باید راه های عملی در جامعه نیز حاکم شود تا بتوان جامعه را به سمت فرهنگ دینی سوق داد بنابراین راه های عملی در این زمینه می توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱. گرایش فرزندان به مذهب و دین اسلام با استفاده از روایات اهل بیت (علیهم السلام) با توجه به سنین آنها از وظایف مهم والدین است. ۲. تعلیم و تربیت همگانی امروزه از اهمیت بیشتری برخوردار است و با ارائه متون غنی و منطبق بر منابع دینی و به کارگیری معلمان و اساتید متخصص و متعهد نظام آموزشی متناسب با اهداف نظام اسلامی می توان جامعه را به سمت مبانی و فرهنگ دینی تقویت کرد. ۳. تزکیه همراه با تلاوت و تعلیم هم از طرف افراد و هم از طرف جامعه. ۴. حفظ شعائر دین و گسترش آن مخصوصاً از طرف کارگزاران جامعه. ۵. تأثیر اجتماع و محیط خانه و خانواده جهت گرایش و تعالی به مذهب دین و اسلام. ۶. احیاء امر الهی (امر به معروف و نهی از منکر) و مسئولیت پذیری در جامعه جهت تقویت و گسترش مبانی دینی و مذهبی. ۷. ابلاغ دین با استفاده از تکنولوژی امروزی و هنرهای همچون نمایش، سخنرانی، صوتی و تصویری با استفاده از روش های چهره به چهره، پرسش و پاسخ و بحث گروهی..

منابع

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری)، چاپ دوم، قم: جامعه‌ی مدرسین، ۱۴۰۴ ه. ق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام)، ج ۳، چاپ اول، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ه. ق.
- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۷، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۴ ه. ش.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، نهج الحق و کشف الصدق، چاپ اول، بیروت: دارالکتب اللبنانی، ۱۹۸۲ م.
- رکنی یزدی، محمدمهدی، سیمای زمامداران دادگر و ستمگر در قرآن، چاپ اول، تهران: انتشارات پدر، ۱۳۵۸ ه. ش.
- ساجدی، ابوالفضل، دین گریزی چرا؟ دین گرایی چه سان؟ قرآن و نظام تربیتی نسل نو، چاپ دوم، بی جا: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة الله علیه)، ۱۳۸۵ ه. ش.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، (مترجم: محمدباقر موسوی)، ج ۱، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ه. ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، (محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی)، ج ۵، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه. ق.
- مرعشی، قاضی نورالله، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ج ۱۸، چاپ اول، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۹ ه. ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۴، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ه. ش.
- نکوهی سامانی، مهدی، آسیب شناسی دین و معرفت دینی، چاپ اول، قم: نشر مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۹ ه. ش.
- نوری، حسین بن علی تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۴، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ه. ق.

مجلات و فصلنامه ها

- درستی مطلق، مرجان، راهکارهای گرایش جامعه به دینداری، نامه جامعه، شماره ۱، مهر ۱۳۸۳
- میثم، کهن ترابی، راه های نهادینه سازی فرهنگ دینی توسط کارگزاران و تأثیر آن بر پیشرفت جامعه با تأکید بر آموزه های نهج البلاغه، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پایه پیشرفت، شماره ۲۹، اردیبهشت ۱۳۹۵
- نیاخاطر، علی، حسین، تاج الدین، نقش ولایت در نهادینه کردن باورهای دینی در جامعه از دیدگاه قرآن کریم، پژوهش های اندیشه قرآنی، شماره ۱، ۱۳۹۱

1ST INTERNATIONAL CONFERENCE ON MANAGEMENT, EDUCATION AND TRAINING RESEARCHES IN EDUCATION

Archive of SID

MARCH 10, 2024 | TEHRAN

۲۰ اسفند ۱۴۰۲

محل برگزاری: تهران

اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش



ISCCM
International Science Citation Center

OxfordCert
Universal

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

سایت ها

سایت اندیشه قم، مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات، تقویت اعتقاد و معلومات، تاریخ دانلود: ۹۸/۱۲/۹،

<https://www.andisheqom.com/fa/Question/View/10780>.